

12. نظام قضایی اسلام و سیستم حاکمیت امارات قانونی یا دلائل معنوی یا¹....

در نظام های قضایی در علم حقوق معمولا از دو سیستم یاد می کنند: نظام ادله قانونی (= سیستم عقل گرایی ظاهری) و نظام ادله معنوی (=طریقه دلائل آزاد/آزادی دلائل/دلیل اخلاقی/دلیل اقماعی). البته گاه از نظام مختلط یا ترکیبی هم یاد شده است. چنان که برخی ترجیح داده اند برای روش های اثبات دعوی کیفری از حیث تحول تاریخی، به پنج دوره اشاره کنند؛ به این قرار:

دوره باستان - دوره دلائل مذهبی - دوره دلائل قانونی - دوره دلائل معنوی و دوره دلائل علمی. همچنین ژان لارگیه از «مفهوم مذهبی دلیل»، «عقل گرایی ظاهری» و «اقناع وجدان قاضی» نام می برد. وی پیش بینی می کند که «شاید همه این دلائل در آینده جای خود را به دلائل منحصر علمی (کارشناسی و نشانه ها) بدهند».²

مفهوم شناسی نظام ادله قانونی

در تعریف این سیستم گفته شده:

«در نظام ادله قانونی، مقنن، دلیل یا دلائل قابل قبول و ارزش اثباتی هر یک یا مجموعه ای از آن ها را پیشاپیش تعیین و قاضی را در صورت ارائه دلیل مورد نیاز و صرف نظر از اعتقاد باطنی او، مکلف به صدور حکم محکومیت می کند. در صورت عدم ارائه دلائل مورد نظر، مقنن، قاضی مکلف به تبرئه متهم است و حق ندارد به دلائل دیگر استناد کند».³

نقد و بررسی

واضح است که تعریف فوق از این سیستم، تعریف به برخی ویژگی های این سیستم است (که البته چاره ای جز این هم نیست)؛ از این رو ممکن است به برخی ویژگی های دیگر نیز اشاره کرد، چنان که می تواند اختلاف در مبانی حقوقی نیز مؤثر در اختلاف ویژگی این سیستم باشد. مثلا ارزش اثباتی یک اماره قانونی در یک نظام حقوقی - که ذیل سیستم مورد گفتگو تعریف می شود - کمتر یا بیشتر از ارزش همان اماره در نظام حقوقی دیگر. که آن هم ذیل همین سیستم قرار می گیرد. باشد.

از برخی از حقوقدانان مرتبط با بحث حاضر و درباره نظام ادله قانونی در اروپا چنین نقل شده است:

«در مجموع دلائل به سه گروه تقسیم می کردند: 1. دلیل کامل یا مبرهن؛ 2. دلیل قابل توجه یا نیمه دلیل؛ 3. دلیل ناقص یا سبک. برای مثال سندی که مورد اعتراض طرف دعوا قرار نمی گرفت یا شهادت، مشروط بر آن که شهود دو نفر بوده و مشهود به را خود دیده و اظهارات آنان با یکدیگر توافق داشته باشد را یک دلیل کامل محسوب می کردند. شهادت یک تن و نیز قرینه مهم را نیمه دلیل محسوب می کردند. نیمه دلیل قاضی را مجاز به صدور حکم اعدام نمی کرد، لیکن او می توانست حسب مورد، اجازه اعمال شکنجه تکمیل تحقیقات یا محکومیت متهم به مجازات تمیز را مورد حکم قرار دهد. قراین سبک و کم اهمیت دلیل ناقص تلقی می شدند. این گونه قراین به دستور شکنجه یا صدور حکم بر محکومیت متهم منجر نمی شدند. قاضی فقط مجاز بود به استناد آن ها متهم را به دادگاه احضار یا دستور جلب او را صادر کند».⁴

مفهوم شناسی سیستم ادله معنوی

در بیان این سیستم گفته شده:

1. این مساله علیرغم اهمیت و تاثیر نوع گزینه انتخابی آن در استنباط احکام مربوط به دادرسی و حضور نسبتا مفصل آن در متون حقوقی و فلسفه حقوق، حضوری در متون فقهی ندارد! از این رو پرداختن به آن در مستوای درس خارج، ضرور می نماید، و فاصله گرفتن از گفتگو در این باره مبرر ندارد.

2. ر.ک: احمد حاجی ده آبادی، ادله اثبات کیفری در اسلام، پاورقی ص 67 و 68.

3. ر.ک: همان، ص 68، به نقل از مجد آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج2، ص 232 و 233.

4. ادله اثبات کیفری در اسلام، پاورقی ص 68 و 69.

«در اقناع وجدانی قاضی دلائل همگی طریقییت دارند، نه موضوعیت؛ هر دلیل، ارزشی برابر با سایر ادله می تواند داشته باشد و بنابراین شهادت، ارزشی افزون بر کارشناسی یا دلیل کتبی الزاماً رجحانی بر دلیل شفاهی ندارد و حتی ممکن است دلیل شفاهی بر کتبی ترجیح داده شود. در این نظام، اقرار، ملکه دلائل تلقی نمی شود».

«در سیستم قناعت وجدانی، قاضی در کمال آزادی، دلائل عرضه شده را ارزیابی می کند. قاضی بر مبنای وجدان خود، حکم برائت یا محکومیت به اعتبار این که معتقد به بی گناهی یا مجرمیت است، صادر می کند، بدون این که مجبور باشد ارزش اثباتی را که به دلائل مورد نظر خود قائل است، توجیه کند».⁵

در ماده 342 قانون تحقیقات جنایی بلژیک آمده: «قانون از هیأت منصفه، حساب طرقی که آنان را مطمئن ساخته، نمی خواهد. قانون مطلقاً مقرراتی در ارتباط با جامعیت و کفایت دلیل وضع نمی کند ... قانون فقط این پرسش را - که در برگرفته کل وظایف آنان است - مطرح می سازد: آیا اعتقاد باطنی دارید؟».⁶

در واقع این دو سیستم در نظام قضا، شبیه دو روش فقهی: مدرسه ای (=صناعت محور) و تجمیع ظنون است.

5. همان، ص 69.

6. همان، ص 74 و 75.